

بررسی انتقادی دیوان خاقانی تصحیح علی عبدالرَسُولی از نظر اوزان عروضی

نصرالله امامی * نعیم مراونه **

چکیده

بررسی دیوان خاقانی به تصحیح علی عبدالرَسُولی گویای آن است که تشخیص اوزان و بحور عروضی موارد قابل تأملی دارد که ناشی از سهوهای مصحح است. این کاستی‌ها اگرچه در کنار رنج و دقت نظر آن استاد زنده‌یاد در تصحیح دیوان خاقانی بس ناچیز می‌نماید، در مسیر استفاده از این تصحیح ارزشمند که در شمار بهترین تصحیح‌های دیوان خاقانی است، خالی از فایده نخواهد بود؛ در این نوشتار کاستی‌های یادشده در دو بخش شامل (۱) اشتباه در تشخیص وزن و بحر، (۲) اشتباه در تشخیص زحافات با نگاهی انتقادی، بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: اوزان عروضی، دیوان خاقانی، علی عبدالرَسُولی

مقدمه

دیوان خاقانی شروانی شامل تقریباً هفده هزار بیت، ۱۳۲ قصیده، ۱۶ ترکیب‌بند، ۳۳۰ غزل، ۲۹۰ قطعه، ۴۵۰ بیت عربی و ۳۰۰ رباعی است.^۱ این دیوان تا کنون، چندین بار به شرح زیر تصحیح و چاپ شده است:

۱. تصحیح علی عبدالرَسُولی، با ۹۷۹ صفحه در سال ۲۵۳۷ شاهنشاهی، نخستین تصحیح مشهور دیوان خاقانی شروانی در ایران است و همان‌طور که خود مصحح در مقدمه کتاب بیان کرده است، «قبل از وی یک بار در هندوستان این دیوان تصحیح شده است که به صورت ناپسندی طبع شده و دارای معایب بیشماری است»^۲

۲. چاپی نامشخص از نظر تصحیح، از محمد عباسی و فهرست‌های هفتگانه حسین نخعی با ۹۲۳ صفحه، در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی است.

۳. دومین تصحیح کامل دیوان خاقانی پس از عبدالرَسُولی، از ضیاءالدین سجادی با ۱۰۸۵ صفحه در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی و معتبرترین چاپ دیوان خاقانی در حال حاضر است.

۴. دیوان خاقانی شروانی (از روی نسخه‌های معتبر)، در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی با ۸۱۵ صفحه منتشر شده است که به نظر می‌رسد اساس کار تصحیح سجادی بوده است.^۳

۵. دیوانی با ۱۳۶۳ صفحه از خاقانی که در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی، انتشارات شهرام آن را در تهران منتشر کرد؛ هیچ‌گونه فهرستی ندارد و مصحح آن نیز مشخص نیست.

۶. دیوان خاقانی شروانی مطابق نسخه خطی ۷۶۳ هجری شمسی، با ۸۶۶ صفحه از جهانگیر منصور در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی با دو مقدمه، یکی از جهانگیر منصور و دیگری از استاد فروزانفر که انتشارات نگاه آن را منتشر کرده است.

۷. دیوان دوجلدی خاقانی شروانی به تصحیح میرجلال‌الدین کزازی با ۱۴۰۶ صفحه در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی و چاپ انتشارات مرکز است. باید ذکر شود که این چاپ از دیوان خاقانی در حقیقت استحسان و اجتهاد در ضبط‌های دو دیوان عبدالرسولی و سجّادی است.

۸. دیوان خاقانی شروانی با ۱۳۶۸ صفحه در سال ۱۳۷۷ هجری شمسی، بدون فهرست و مقدمه و مشخص بودن مصحح توسط انتشارات گلر تهران است.

از تصحیحات یادشده، فقط تصحیح عبدالرسولی، سجّادی و کزازی، معتبر و درخور اعتناست.

نقد و بررسی دیوان خاقانی چاپ علی عبدالرسولی

دیوان خاقانی تصحیح عبدالرسولی، شامل ۱۴۴ قصیده و ۱۶ ترکیب‌بند، ترجیعات، ۳۵۶ قطعه و قصاید کوچک، ۴۶۲ غزل، ۳۶۱ رباعی و پنج قصیده عربی است. بدون شک، تصحیح حاضر به دلیل اینکه نخستین تصحیح دیوان خاقانی در ایران است، با وجود کاستی‌هایش، اهمیت بسیاری دارد و برای استفاده پژوهشگران و دانشجویان مفید است. به رغم اهمیت و ارزش کار استاد عبدالرسولی که تلاشی بزرگ و تحسین‌برانگیز است، این تصحیح از کاستی‌هایی فاحش به دور نیست؛ برای نمونه، نبودن فهرستی منظم از همه اشعار دیوان و آشفتگی‌های ناشی از درآمیختگی قطعات و قصاید کوچک، دست‌یابی به اشعار و تشخیص قالب را برای خواننده دشوار نموده‌است. از آن روی که هدف ما در این پژوهش صرفاً نقد تشخیص اوزان عروضی در این دیوان توسط مصحح محترم است، از پرداختن به جنبه‌های دیگر خودداری می‌کنیم و به بررسی صحت و سقم اوزان عروضی در این مقاله می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

درباره اوزان عروضی دیوان خاقانی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته‌است که می‌توان به مقالات «تحلیل انتقادی بر موسیقی شعر خاقانی» از دکتر محسن ذوالفقاری، «به‌گزینی محور عروضی پارسی و تازی در اشعار خاقانی و ویژگی‌های عروضی اشعار پارسی و تازی وی» از دکتر سیداسعد شیخ‌احمدی، «مروری بر وزن قصیده‌های خاقانی» از دکتر اصغر اسمعیلی تازه‌کندی اشاره کرد؛ ولی تاکنون پژوهش و نقدی درباره اوزان عروضی دیوان خاقانی به تصحیح عبدالرسولی انجام نگرفته‌است؛ به عبارت دیگر، مقاله حاضر نقد و بررسی دریافت‌های استاد علی عبدالرسولی از اوزان عروضی دیوان خاقانی است.

بحث و بررسی

استاد علی عبدالرسولی، برخی از قسمت‌های دیوان خاقانی مانند قصاید و ترجیعات را از نظر اوزان عروضی بررسی کرده و قسمت‌های دیگر دیوان شامل قصاید کوچک، قطعات، غزلیات، رباعی‌ها و اشعار عربی را بررسی نکرده است. در طی بررسی‌های به‌عمل‌آمده از اوزان عروضی دیوان خاقانی^۴ به تصحیح عبدالرسولی، بسیاری از آنها نادرست به نظر رسید که در ذیل خواهد آمد. برای سهولت خوانش، آنها را به چند گروه تقسیم کرده‌ایم:

۱. اشتباه در تشخیص وزن و بحر، اشتباه در تشخیص وزن، اشتباه در تشخیص وزن و زحافات

۲. اشتباه در تشخیص زحافات

۱.۱. اشتباه در تشخیص وزن و بحر

۱.۱.۱. در صفحات ۴۵ و ۴۲ وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلات» را منسرح سالم نامیده است؛ ولی در صفحه ۵۷ با وجود اینکه همان وزن را به اشتباه برای قصیده با مطلع:

راه نفسم بسته شد از آه جگر تاب کو هم نفسی تا نفسی رانم از این باب

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۵۷)

ذکر کرده است، زحافاتش را مطوی مجذوع نامیده است؛ در حالی که اصلاً بحر منسرح نیست بلکه «هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف» است.

۱،۱،۲. قصیده زیر با مطلع:

قلم بخت من شکسته سر است موی در سر به طالع هنر است

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۶۵)

را رمل مسدس مخبون (فاعلاتن مفاعلهن فعلن) دانسته است؛ در حالی که اولاً، بحر خفیف است نه رمل؛ زیرا در بحر رمل، زحاف «مفاعلهن» وجود ندارد؛ مفاعلهن از زحافات بحور «هزج و رجز» است که به ترتیب در آن بحور «مقبوض» و «مخبون» نامیده می‌شود و بحر خفیف از «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» تشکیل می‌شود و این زحاف مفاعلهن موجود در بیت مذکور، از زحافات رجز است که مخبون خوانده می‌شود؛ ثانیاً، بحر رمل با فاعلاتن آغاز نمی‌شود؛ ثالثاً، وزن صحیح آن «فاعلاتن مفاعلهن فعلن»، «خفیف مسدس مخبون مقصور» است.

۱،۱،۳. قصیده‌ای با مطلع:

رستم و بهرام را به هم چه مصاف است این دو خلف را به هم چه خشم و خلاف است

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۸۷)

را بحر خفیف دانسته است که صحیح بحر و وزن آن، بحر «منسرح مثنیٰ مطوی مکشوف منحور» و وزن «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع» است.

۱،۱،۴. قصیده‌ای با مطلع:

رهروم مقصد امکان به خراسان یابم تشنه ام مشرب احسان به خراسان یابم

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۲۹۷)

را «رمل مثنیٰ مخبون مقصور» (فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فعلاتن) دانسته است؛ هر چند که صورت صحیح آن:

«فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن» یعنی رمل مثنیٰ مخبون اصلم است، وزن قصیده بعدی با مطلع:

آن پیر ما که صبح لقایی است خضر نام هر صبح بوی چشمه خضر آیدش ز کام

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۰۳)

را با گفتن: «ایضاً در همان بحر»، نیز در بحر «رمل» تشخیص داده است؛ حال آن که قصیده مذکور در بحر «مضارع اُخرب مکفوف محذوف» و وزن آن: «مفعول فاعلاتن مفاعلهن فعلن» است نه رمل.

۱،۱،۵. قصیده:

خاک سیاه بر سر آب و هوای ری دور از مجاوران مکارم‌نمای ری

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۴۵۴)

را بحر «مجتث مثنی مخبون مقصور» با وزن: «مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فعلاَت» دانسته که صورت صحیح آن: بحر «مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف» و وزن «مفعول فاعلاَت مفاعیل فاعِلن» است.
 ۱،۱،۶. قصیده ذیل با مطلع:

دلسوز ما که آتش گویاست قند او آتش که دید دانه دل‌ها سپند او

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۷۶)

را بحر «مجتث مثنی مخبون محذوف» با وزن: «مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فعِلن» مشخص کرده است که صحیح آن: بحر «مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف» و وزن «مفعول فاعلاَت مفاعیل فاعِلن» است.
 ۱،۱،۷. نیز قصیده ذیل با مطلع:

بی باغ رخت جهان مینام بی داغ غمست روان مینام

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۱۱)

را همانند قصیده قبل از آن (ص ۳۱۰) در «بحر متقارب مثنی مقصور» ذکر نموده؛ حال آن‌که در بحر «هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف» و بر وزن *مفعول مفاعِلن فعولن* است.

۱،۲. اشتباه در تشخیص وزن

۱،۲،۱. در صفحه ۴۱۴، قصیده با مطلع:

ای در عجم سلاله اصل کیان شده وی در عرب زییده اهل زمان شده

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۴۱۴)

بحر آن را که مضارع است، صحیح ذکر کرده است ولی وزنش را به اشتباه «مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فعلاَت» دانسته که صحیح آن «مفعول فاعلاَت مفاعیل فاعِلن» است.

۱،۲،۲. وزن قصیده ذیل با مطلع:

دل‌نواز من بیمار شمایید همه بهر بیمار نوازی به من آید همه

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۴۱۷)

را «فاعِلتن فعلاَتن فعلاَتن فعلاَتن فعلاَتن فعِلن» یعنی رمل مثنی مخبون محذوف است نه مقصور.

۱،۳. اشتباه در تشخیص وزن و زحافات

۱،۳،۱. در صفحه ۶۱، قصیده با مطلع:

دل صید زلف اوست، به خون در نکوتر است وان صید کان اوست نگون‌سر نکوتر است

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۶۱)

را در بحر «مضارع مثنی مخبون محذوف» و وزن «مفعول فاعلاَت مفاعیل فاعِلن» دانسته است؛ از آن روی که نخستین رکن آن «مفعول» است، می‌بایست «اُخرب» را نیز ذکر می‌کرد و دیگر آن‌که رکن آخر وزن آن «فاعلاَت»، یعنی «مقصور» است نه «فاعِلن».

۱،۳،۲. وزن و زحافات قصیده با مطلع:

راحت از راه دل چنان برخاست که دل اکنون ز بند جان برخاست

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۷۱)

را «فاعلاتن مفاعلهن فعلن» دانسته است؛ صورت صحیح وزن آن «فاعلاتن مفاعلهن فعلن» و در بحر «خفیف مخبون مقطوع مسبّع» است.

۱,۳,۳. در صفحات ۳۱۰ و ۱۲۵، قصاید زیر را با مطلع‌های:

مرا صبح دم شاهد جان نماید دم عاشق و بسوی پاکان نماید

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۱۲۵)

به درد دلم کاشنایی نیبم هم از درد دل را دوائی نیبم

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۱۰)

را «مقارب مثنی مفعول» یعنی *فعولن فعولن فعولن فعولن* تشخیص داده است؛ حال آن‌که *فعولن فعولن فعولن فعولن*، یعنی «مقارب مثنی سالم» هستند.

۱,۳,۴. در صفحه ۱۵۱، قصیده با مطلع:

صفتی است حسن او را که به وهم در نیاید روشیست عشق او را که به گفت بر نیاید

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۱۵۱)

را «رمل مثنی مشکول مسبّع» و بر وزن *فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلیان* مشخص نموده بود ولی این قصیده «رمل مثنی مشکول» و بر وزن *فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن* است.

۱,۳,۵. نیز قصیده با مطلع:

چون آه عاشق آمد صبح آتش معنبر سیماب آتشین زد در بادبان اخضر

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۱۸۷)

را «مضارع مثنی محذوف» و بر وزن *مفعول فاعلاتن مفعول فاعلهن* نامیده است؛ حال آن‌که «مضارع مثنی محذوف» و *مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن* است.

۲. اشتباه در تشخیص زحافات

۲,۱. در صفحات ۲ و ۱۸ قصاید با مطلع‌های:

جوشن صورت رها کن در صف مردان درآ دل طلب کز دار ملک دل توان شد پادشا

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۲)

نیست اقلیم سخن را بهتر از من پادشا در جهان ملک سخن رانی مسلم شد مرا

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۱۸)

را «رمل مثنی مفعول» نامیده است؛ زحاف آخر آنها «محذوف» یعنی *فاعلهن* است نه *فاعلاتن*.

۲،۲ در صفحات ۴، ۷، ۳۰، ۴۹، قصاید زیر با مطلع‌های:

عروس عافیت آن‌گه قبول کرد مرا / که عمر بیش بهایا دادمش به شیربها

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۴)

سریر فقر تو را سرکشد به تاج رضا

تو سر به جیب هوس درکشیده، اینت خطا

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۷)

مگر به ساحت گیتی نماند بوی وفا

که هیچ انس نیامد ز هیچ انس مرا

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۰)

مرا ز هاتف همت رسد به گوش خطاب

کز این رواق طینسی که می‌رود دریاب

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۴۹)

را «مجتث اُخرب» گفته است؛ صورت صحیح آنها مجتث مخبون محذوف است.

۲،۳ هم‌چنین قصیده ترسائیه را با مطلع:

فلک کز روتر است از خط ترسا / مرا دارد مسلسل راهب آسا

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۱۹)

بهر «هزج مسدس مقصور» دانسته است؛ صحیح آن هزج مسدس محذوف است؛ یعنی: مفاعیلن مفاعیلن فعولن.

۲،۴ زحافات قصیده‌ای با مطلع:

صبح است کمانکش اختران را / آتیش زده آب‌پیکران را

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۳)

را «هزج مسدس اُخرب» تشخیص داده است و زحافات دیگر یعنی مقبوض و محذوف را ذکر نکرده است.

۲،۵ قصیده ذیل با مطلع:

دل روی مـراد از آن ندیدست / کز اهل دلی نشان ندیدست

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۷۷)

را «مفعول مفاعیلن فعولن» دانسته است حال آن‌که زحاف آخر آن «مفاعیلن» است. به عکس، در صفحه ۳۲۳، قصیده با مطلع:

ضمـان دار سلامت شد دل من / که دارالملک عزلت ساخت مسکن

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۲۳)

را «هزج مسدس مکفوف محذوف» مشخص نموده که «هزج مسدس محذوف» است. یعنی برعکس قصیده قبلی، زحاف آخر را

«مفاعیلن» تشخیص داده است؛ در حالی‌که در اینجا «فعولن» است.

۲،۶ در صفحات ۷۹ و ۷۷ وزن قصاید با مطلع‌های:

این پرده کاسمان جلال آستان اوست ابريست که آفتاب شرف در عنان اوست

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۷۷)

شهری به فتنه شد که فلانی از آن ماست ما عشق‌باز صادق و او عشق‌دان ماست

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۷۹)

را «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» مشخص نموده است؛ زحاف آخر آنها «فاعلاتن» است و در بحر «مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف مقصور» هستند نه محذوف.

۲،۷. در صفحه ۱۶۷، قصیده با مطلع:

بیدقی مدح شاه می‌گوید کوکبی وصف ماه می‌گوید

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۱۶۷)

را در بحر «خفیف مخبون محذوب» که با توجه به زحاف آخر آن که «فع لن» است، می‌بایست «مخبون محذوف» نامیده می‌شد. ۲،۸. قصیده ذیل با مطلع:

سنت عشاق چیست برگ عدم ساختن گوهر دل را ز تف مجمر غم ساختن

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۲۱)

را در بحر «منسرح مثنیٰ مطوی مکفوف» تشخیص داده است که زحاف آخر «مکشوف» است. ۲،۹. در صفحات ۳۷۷ و ۳۶۹ وزن قصاید با مطلع‌های:

خرمی در جوهر عالم نخواهی یافتن مردمی در گوهر آدم نخواهی یافتن

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۶۹)

صبح خیزان بین به صدر کعبه مهمان آمده جان عالم دیده و در عالم جان آمده

(عبدالرسولی، ۱۳۱۷: ۳۷۷)

را در بحر «رمل مثنیٰ مقصور» دانسته است؛ صحیح آن: «رمل مثنیٰ محذوف» یعنی: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است نه فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن.

نتیجه

همان‌گونه که گذشت، استاد عبدالرسولی از دیوان خاقانی، تنها به بررسی وزنی قصاید پرداخته است و قسمت‌های دیگر دیوان را، که شامل قصاید کوچک، قطعات، غزلیات، رباعی‌ها و اشعار عربی است، بررسی نکرده است. بررسی وزنی انجام شده از قصاید، نشان می‌دهد که عبدالرسولی در تشخیص اوزان عروضی بسیار شتاب‌زده عمل کرده و این شتاب‌زدگی منجر به اشتباهات فاحشی از جمله اشتباه در تشخیص وزن و بحر، اشتباه در تشخیص وزن، اشتباه در تشخیص وزن و زحافات و اشتباه در تشخیص زحافات شده است. بدیهی است که نقد حاضر، به هیچ عنوان از شأن و مرتبه علمی و فضل تقدّم استاد عبدالرسولی در نخستین تصحیح دیوان خاقانی در ایران نمی‌کاهد و ارزش کار این بزرگوار بر اهل خرد و فرهیختگان پوشیده نیست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- اساس کار در آمار مذکور چاپ دکتر سجادی است. تعداد فصاید در تصحیح کزازی ۱۳۲ و در تصحیح عبدالرسولی ۱۴۴ قصیده است.
- ۲- بنگرید به: دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح و تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی، چاپ اول، چاپخانه سعادت، تهران: ۱۳۱۷: (ج) مقدمه.
- ۳- تنها روی جلد کتاب پس از ذکر نام دیوان عبارت «از روی نسخه‌های معتبر» قید شده و نامی از مصحح یا مصححان نیامده است؛ نیز در مقدمه از معرفی و نام نسخه‌های مذکور اثری نیست و تنها با استناد به منابع مقدمه و سبک کلی کتاب می‌توان دریافت که اساس کار تصحیح ضیاءالدین سجادی بوده است.
- ۴- شماره صفحات ذکر شده برای ابیات خاقانی، از روی دیوان خاقانی به تصحیح عبدالرسولی، انتشارات کتابخانه خیام، چاپ ۱۳۱۷ هجری شمسی است.

منابع

۱. اسمعیلی تازه‌کندی، اصغر (۱۳۸۴). «مروری بر وزن قصیده‌های خاقانی» مجموعه مقالات برگزیده همایش خاقانی‌شناسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، ج ۱، چ ۱، ارومیه، جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه با همکاری دبیرخانه دائمی ادبیات آذربایجان.
۲. اسعد، شیخ‌احمدی (۱۳۸۲). «به‌گزینی محور عروضی پارسی و تازی در اشعار خاقانی و ویژگی‌های عروضی اشعار پارسی و تازی وی» سبک آذربایجانی و سیر تاریخی آن در شعر فارسی، به کوشش فاطمه مدرسی و محبوب طالعی، چ ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی نشرات با همکاری دانشگاه ارومیه، صص: ۴۱۶-۴۲۲.
۳. امامی، نصرالله (۱۳۸۷). *ارمغان صبح*، چ ۴، تهران: جامی.
۴. خاقانی شروانی (۱۳۱۶). *دیوان خاقانی*، به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: زوآر.
۵. _____ (۱۳۱۷). *دیوان خاقانی*، به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: کتابخانه خیام.
۶. _____ (۱۳۸۷). *دیوان خاقانی*، مصحح: ضیاءالدین سجادی، تهران: زوآر.
۷. _____ (۱۳۷۵). *دیوان خاقانی*، مصحح: میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
۸. _____ (۱۳۳۶). *دیوان حسان‌العجم افضل‌الدین خاقانی شروانی*، محمد عباسی و حسین نخعی، تهران: امیرکبیر.
۹. _____ (۱۳۶۲). *دیوان خاقانی شروانی از روی نسخه‌های معتبر*، تهران: ارسطو.
۱۰. _____ (۱۳۳۶). *دیوان خاقانی شروانی مطابق نسخه خطی ۷۶۳ هجری از مجموعه شخصی*، مصحح، جهانگیر منصور، تهران: نگاه.
۱۱. _____ (۱۳۶۳). *دیوان خاقانی*، تهران: شهرام.
۱۲. _____ (۱۳۷۷). *دیوان*، تهران: گلر.
۱۳. ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۱). تحلیل انتقادی بر موسیقی شعر خاقانی، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره هفدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۳۴، صص: ۱۰۹-۱۱۸.
۱۴. ماهیار، عباس (۱۳۸۸). *عروض فارسی*، چ ۱۱، تهران: قطره.